

جرم بیگانه نباشد که تو خود صورت خویش  
گسر در آئینه بینی برود، دل ز برت!

## درسی از اخلاق

سید مجتبی موسوی

اخلاق‌گری دارند .

ممکن است انسان تحت شرائطی ویژه ، تصویر دلپسندی از خود در ذهن ترسیم کند ؛ ولی همواره این تصویر ذهنی با واقعیت تطبیق نخواهد کرد ؛ یا تشویق خاطر، بیماری یا سلامت روحی شخص کاملاً وابسته است؛ و با کیفیت‌های گوناگونی در اعمال و آثار مردم خودنمایی میکند؛ در میان جامعه بشری افرادی بفرآوانی یافت میشوند که گرفتار تصویر افراطی از خویش‌نندند، و تمایل بقطب افراط و اغراق دارند، و این يك واقعیت انکار ناپذیر روانی است .

هنگامی که آئینه ذهن، تعادل و توازن خود را از دست داد، خود بینی شخص از خود، بسیار اغراق آمیز و غیر واقعی نشان میدهد، و سهولت او را از درک حقیقت غافل میگرداند؛ اینگونه خود بینی‌ها از هنگام کودکی ممکن است در شخص تکوین یابد کودک پیش از آنکه بمرحله آگاهی و شعور و بکار انداختن نیروی اراده خویش برای بهتر زیستن برسد، عکس‌العمل‌های خانواده و تلقین و داوریهای اطرافیان در سر نوشت و ساختمان روانی و نوع جهان بینی و همچنین در رشد صحیح یا نادرست و انحرافی خود بینی او نفوذ فراوان دارند؛ که در نتیجه احیاناً بر توقع و لوس، و فاقد قدرت‌سازش با محیط و اجتماع

وسعت نفوذ و فعالیت ضمیر مخفی و شعور باطن، بمراتب ژرفتر و نیرومندتر و در عین حال پیچیده‌تر از صحنه تلاش ضمیر آگاه است؛ در روانشناسی کشف ناآگاهی نشان میدهد که بشر به بیش از نهم از تکاپوی درونی خود واقف نیست ؛ انسان غیر از آنچه خود بطور آگاهانه میخواهد ، بر وجودش عوامل بسیار نیرومند دیگر نیز حاکم است؛ و او را

# مراقب باشیم بغرور آلوده نگردیم

و ادا به بسیاری از چیزها میکند که شعور آگاهش از آن کاملاً بی‌خبر است؛ آن قوه درونی که بر آدمی حکم میراند، در غالب اوقات سرپیچی از او اعرش واقعاً غیر مقدور است .

چه بسیار از آلودگیها و انحرافهای گوناگون و عادات زیانبار که در حقیقت از تجلیات و تلاشهای حیات روانی ناآگاه و شاهد گویائی از روح پسر التهاب و پر تضاد بشر است؛ و از همین رهگذر امکان دارد انگیزه‌های مخفی در جهاز روانی انسان بسود و منفعت‌وی کار کنند یا بزیان او؛ و خلاصه آرزوها و اندیشه‌ها و انگیزه‌های ناآگاه، هم میتوانند در رفتار شخص، سازندگی داشته باشند ، و اعمال و رفتارش را تلطیف کنند، و هم قدرت مخرب و نیروی

مصادق پیدا کند! لذا تحمل شنیدن کوچکترین انتقادی را نسبت به خود ندارد اگر احیاناً کسی از روی کمال بی‌غرضی و صد در صد منصفانه انگشت روی نقش بگذارد دیوانه‌وار خشمگین میشود، و طرف را دشمنی منرض و کینه‌توز و بدخواه می‌پندارد، این چنین صحنه‌های دردناکی در روح فرده‌مروور، طوفانی برپا می‌سازد، و بسا عناد شدیدی شروع به رخاش میکند تا طرف را خفیف و سرشکسته ساخته، و بدین وسیله موجبات تسکین احساسات طوفان‌زده خویش را فراهم سازد.

همواره يك نیروی مرموزی ناخودآگاه او را بطرح نقشه‌هایی برای اثبات برتری و کسب تفوق بر دیگران وامیدارد؛ و بهمین سبب از هر گونه اقدامی که موجب برتری و خودنمایی است کوتاهی نخواهد کرد؛ غالب معاشرت‌ها و فعالیتها و حتی کارهای مفید اجتماعی در درجه اول نه برای این است که واقماً بآن کارها عشق و علاقه دارد بلکه میخواهد او را شایسته و لایق بداند، و در باره‌اش خوب اظهار نظر کنند؛ دائماً در حال ترس و وحشت و فشار آزار دهنده‌ای است مبادا دیگران او را آنگونه که مایل است درک نکنند.

بیشتر کسانی که از طبقه پائین اجتماع برخاسته و موقعیتی در جامعه بدست می‌آورند، دچار نخوت و غرور میشوند، و از این راه میخواهند حقارتی که از ناحیه نقص خانوادگی دامنگیرشان شده است جبران نمایند، البته روح بزرگ‌بزندگانی کوچک راضی نمیشود.

وقتی هدف انسان عالی باشد، دامنه سعی و کوشش وی بهمان میزان گسترش می‌یابد؛ هنگامی شخص دچار جمود و رکود گردیده و از پیشروی باز میماند

و یا گوشه گیر و منزوی باریآیند؛ و بالاخره کیفیت رفتارهای مختلف بطور مثبت و یا منفی، سازنده یا مخرب، در کودکان غیر قابل‌توصیفی، دارا است غالب آنها تئیکه بنظر آرام و بااراده و سالم جلوه میکنند، گرفتار فشارهای شدید روحی هستند، که فقط ممکن است نشانه‌های ناچیزی از آنها ظاهر و آشکار شود، که در نظر خود شخص و یا دیگران بسیار بی‌اهمیت تلقی میگردد، و بهمین جهت توجهی باین عکس‌العملها نمیشود؛ در حالیکه ممکن است این نشانه‌ها علامت بیماری روحی خطرناکی باشد. بسیار اتفاق می‌افتد کاری غیر منتظره از شخصی که بهیچ وجه پیش‌بینی نمیشود سر میزند، و موجب اعجاب و شگفتی میگردد؛ چنین عملی ناوسوح و سرحاح نشان‌دهنده واکنش تمایلات و قوه جبار و نیرومند درونی است که برخلاف مصلحت و میل، عنان اراده شخص را در دست گرفته و رفتار و کردار وی را زیر نفوذ شدید خود قرار میدهند.

\*\*\*

انجام هر عملی ارضاء عادتتی است که بدون شبهه جزئی از خمیره خوی و طبیع آدمی است؛ تجربه عمومی، ثابت نموده است که يك میل شدید موقعی که نیرومند گردد باقوه خود احساسات و تمایلات دیگر را پایمال میکند، و انسان از تمام ملاحظات در چنین موقعی چشم میپوشد، يك فرد مفرور در ذهن خود يك الگو و قالب کاملی برای کلیه رفتار و گفتار خویش و نمونه عالی و بی‌نقصی برای اقتناع حس برتری جوئی خود میسازد و سعی میکند تمام فعالیتها و احساساتش را طبق آن قالب ساختگی و بدلی در آورد، بقدری صفات و مزایای خود را بلند می‌پندارد که بهیچوجه باورش نمیشود که در وجودش نقصی

خدمات دیگران بمیان می‌آید، و هر يك از حضار مطلبی را عنوان میکنند، او بالبخند تحقیر آمیزی سخنان آنها را تأیید مینماید، اما همین که درباره خدمت و اقدام كوچك خود لب بسخن می‌گشاید بامقدمات و آب و تاب طولانی طوری موضوع را تشریح میکند، که گوئی در اجتماع کسی خدمتی بالاتر و پرازدش تر از او انجام نداده است!!

یکی از دانشمندان غرب میگوید: و دنیای تفکر چو دریائی است بیکران کسی که بر ساحل ایستاده از جلوه آنها و موجهای آن لذت میبرد و آنها نیکه پایشان لغزیده در آب افتاده اند بیهوده در آغوش امواج دست و پا میزنند و عاقبت هم بجائی نمی‌رسند، انسان همیشه میکوشد که پرده از چهره حقیقت بر دارد، و در راه علم و معرفت قدمی بیشتر بگذارد، ولی هر قدمی که در این راه برمیداریم مشکلات ما بیشتر میشود؛ معلومات ما چون قطر دایره است و مجهولاتمان چون محیط، هر قدر قطر دایره را درازتر کنیم محیط چند برابر بزرگتر میشود، شاید در آتیه فرزندان ما بتوانند بیشتر از ما، در این راه پیش بروند، و حقائق تازه تری را از اسرار کائنات کشف کنند، ولی ما بانهایت تأسف ناچاریم که در عین غرور و خود پرستی زانو بزمین زده اعتراف کنیم که در این خصوص هیچ نمیدانیم و از سر وجود خبر نداریم؛ چرا دور میرویم ماهنوز خودمان را نشناخته ایم، و نمیدانیم چیستیم و با طبیعت چه روابطی داریم، بله، ما هیچ نمیدانیم و ناچاریم روی همه چیزها يك علامت استنهام بگذاریم و بگذریم.»

نخستین شرط در جستجوی حقیقت و فهم و تشخیص هر مطلب آن است که انسان در بحث و گفتگو خیال جدال و مناقشه را نداشته باشد؛ ولی مفرود خود بین سعی میکند از بیانات دیگران بِنفع خود استفاده نموده،

که خواسته های بلندش وقفه پیدا کند؛ صاحب همت عالی دائماً در تلاش و فعالیت است تا بنای عظمت خود را بر پایه انسانیت و مزایای واقعی استوار سازد، و بر مدارج افتخار جای گیرد؛ ولی هیچگاه نمی‌پسندد که از مجرای غرور، خویشتن را بزرگ و با ارزش جلوه داده و اعلام شخصیت کند، چه بخوبی میداند که غرور برای هیچ فردی برجستگی و بزرگی را به ارمان نخواهد آورد؛ مرد آن است که بخود معروف باشد، در همه چیز پیشرفت سریع و برق آسا کند، نه اینکه بزرگی موهوم خود را بر رخ دیگران بکشد، و انتظار ستایش و تمجید داشته باشد.

یکی از خطرناکترین مراحل زندگی در زمینه پیشرفت و ترقی و کسب کمالات که ممکن است غرور دامنگیر انسان شود، مرحله علمی است که دانش در نظر دارنده آن مهم و با ارزش فراوان جلوه میکند؛ بطوریکه پایه علمی و مزایای خود را بالاتر از هر کس می‌پندارد؛ جالب اینجاست بیشتر کسانی که بغرور علمی دچار میشوند، و خود را ذبح میدانند که وجودی استثنائی باشند، آنها نمی‌دانند که از نظر میزان معلومات در سطح پائین و یا متوسط قرار دارند؛ زیرا هر قدر دامنه دانش آدمی گسترده تر شود بحقارت و جهل و نادانی خود بیشتر آشنا میگردد اگر کسی در مراتب علمی بنادانی خود رسید، تا حد زیادی بخود شناسی دست یافته، و لذا مردان واقعا دانشمند، سهولت بدام غرور و تصور باطل نمی‌افتند. نگارنده شخصی را می‌شناسد که بمعلومات و خدمات قابل تحسین دیگران بدیده تحقیر می‌نگرد، و یا اصولا بحساب نمی‌آورد، در حالیکه خود از نظر میزان سواد و معلومات، متوسط و ارزش وجودیش شاید اندک باشد، ولی هر گاه در جلسه‌ای سخن از دانش و یا

و بهمان شیوه ناپسند، مناقشه و بحث کند: او در واقع نظرش کشف حقیقت نیست، بلکه میخواهد در زمینه مناقشه، چیرگی و زبردستی و دانش خویش را باثبات برساند.

برای نکه بمرتب خودشناسی برسیم نخست لازم است حقائق را از مجرای صحیح کشف کرده و بصحت و درستی آن ایمان کامل حاصل نماییم، باین ترتیب بهتر بحقیقت مطلب میرسیم تا بوسیله جدال خشک، هدف اساسی ما باید در درک واقعیات این باشد که نسبت باموری که از کم و کیف آن اطلاع نداریم و بطور سر بسته فهمیده ایم از صورت ابهام و پیچیدگی خارج ساخته و بطور عریان درک کنیم چه: آزاد مرد کسی است که حقیقت، او را آزاد کرده باشد.

آثار زیان بخش غرور در بسیاری از شئون و موارد زندگی حکمفرما خواهد شد که با توجه بآن تأمل بیشتری را در مبارزه با این آزار روحی با جدیت هر

چه تمامتر ایجاب میکند، اگر از دخالت شدید و مستقیم نخوت و غرور در گفتگوها، بحثها، کاسته شود بسیاری از خصومتها و اختلافها خود بخود کاهش خواهد یافت، چه کشمکشها و نزاعهای بیمورد که بین افراد و قشرهای مختلف بوقوع می پیوندد تنها بخاطر آنکه بفرمان غرور رفتار میکنند؛ و از این سودجویی ظاهراً بِنفع خویش، دچار لغزشهایی بزبان واقعی خود و دیگران میگردند، و در نتیجه نمیتوانند با تفاهم و منطقی سلیم و بدون غرض بحل مشکلات مبادرت ورزند.

امکان دارد چیزهاییکه بنظر ما جلوة حقیقت دارد واقماً حقیقت نباشد، چه بامحك عقل و خرد میتوان واقعیات را تشخیص داد؛ کسانیکه نیروی بینائی شان ضعیف می شود برای جبران ضعف دید بینك متوسل میگردند، اما کسیکه دچار تیرگی عقل است باعینك نمیتواند آن تیرگی را رفع کند برای برطرف ساختن آن بایستی بیاطن تسوجه نمود و به تجزیه و تحلیل نفس پرداخت.

و تصدیق می کنیم که این همان دوست عزیز ماست .  
آیا اگر خاطرات و محتویات حافظه يك نفر انسان بسورت پرونده هائی در آید و هر کدام تحت شماره مخصوصی در يك مرکز بزرگ بایگانی شود و صدها نفر مأمور رسیدگی و تنظیم آنها باشند هرگز قدرت دارند به این سرعت يك پرونده را حاضر سازند .  
این است معجزه عجیب دستگاه حافظه ما .  
(بقیه دارد)

پیش سفر کرده در این ده سال چقدر حادثه ها ، خاطر ها ، افراد و مسائل برای ذهن و حافظه ، مطرح شده و در آن بایگانی گردیده است . ناگهان در خانه را میگویند تا در را باز می کنیم و چشم ما بصورت اومی افتد او را می شناسیم و فریادشادی بره می کشیم  
ا ه ا - ا : ا د جمله « او را

عجیبترین بایگانی دنیا

می شناسیم » یعنی چه ؟ یعنی در يك لحظه برق آسا عکسی را که بوسیله چشم می بینیم با عکسی که از او در میان ملیونها عکس دیگر در حافظه نگهداری شده ، تطبیق کرده

بقیه از صفحه ۷۸